

## قانون دیوان عدالت اداری

### فصل اول - تشکیلات

ماده ۱- در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات ، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین و ادارات و آیین نامه های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده ، دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می شود .

ماده ۲- دیوان عدالت اداری که در این قانون «دیوان» نامیده می شود ، در تهران مستقر می باشد . تعیین تعداد شعب دیوان ، به پیشنهاد رییس دیوان و تصویب رییس قوه قضاییه است .

ماده ۳- قضات دیوان باید دارای پانزده سال سابقه کار قضایی باشند . در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از گرایش های رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل ، داشتن ده سال سابقه کار قضایی کافی است .

تبصره- قضات شاغل در دیوان و قضاتی که حداقل پنج سال سابقه کار قضایی در دیوان دارند ، از شمول این ماده مستثنی هستند .

ماده ۴- رییس دیوان که با حکم رییس قوه قضاییه منصوب می شود ، رییس شعبه اول دیوان نیز می باشد و به تعداد مورد نیاز معاون و مشاور خواهد داشت . قضات دیوان به پیشنهاد رییس دیوان و یا حکم رییس قوه قضاییه منصوب می شوند .

ماده ۵- تشکیلات قضایی و اداری دیوان توسط رییس دیوان پیشنهاد و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد .

ماده ۶- بودجه دیوان در ردیف مستقل ذیل ردیف بودجه قوه قضاییه منظور خواهد شد .

ماده ۷- هر شعبه دیوان دارای یک رییس و دو مستشار خواهد بود . ملاک در صدور رای ، نظر اکثریت است . آراء صادره توسط شعب دیوان قطعی است .

ماده ۸- در صورت مرخصی یا عدم حضور رییس شعبه به مدت بیش از دو هفته متوالی ، یکی از دادرسان علی البدل با ابلاغ رییس دیوان جایگزین وی می شود . همچنین هرگاه رییس شعبه اول در رای شرکت نداشته باشد ، با ابلاغ وی یکی از دادرسان علی البدل در رسیدگی و صدور رای مشارکت می نماید .

ماده ۹- تعدادی کارشناس از رشته‌های مورد نیاز دیوان که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان تعیین می‌شوند. در صورت نیاز به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه، پرونده به مشاور یا مشاوران ارجاع می‌شود. شعبه پس از ملاحظه نظر مزبور مبادرت به صدور رای می‌نماید.

تبصره ۱- مشاوران موضوع این ماده لازم است علاوه بر شرط علمی و سابقه کار مندرج در این ماده، دارای شرایط مذکور در بندهای (۱) تا (۴) ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات- مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴- نیز باشند.

تبصره ۲- مشاوران مزبور پس از احراز صلاحیت با حکم رییس قوه قضاییه به صورت استخدام رسمی یا قراردادی منصوب می‌شوند و حقوق و مزایای آنان برابر با حقوق و مزایای دادرسان علی‌البدل دیوان خواهد بود.

ماده ۱۰- به منظور تجدید نظر در آرای شعب دیوان در مواردی که در مواد بعدی این قانون مشخص شده است، شعب تشخیص دیوان از یک رییس یا دادرس علی‌البدل و چهار مستشار تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رای، نظر موافق حداقل سه عضو است.

شعب تشخیص علاوه بر صلاحیت مذکور در این ماده، صلاحیت رسیدگی به سایر پرونده‌ها را نیز دارند.

ماده ۱۱- هیات عمومی دیوان به منظور ایفای وظایف و اختیارات مندرج در این قانون، با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رییس دیوان و یا معاون قضایی وی تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رای، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد.

تبصره- مشاوران موضوع ماده (۹) این قانون می‌توانند با دعوت رییس دیوان بدون حق رای، در جلسات هیات عمومی شرکت کرده و در صورت لزوم نظرات کارشناسی خود را مطرح نمایند.

ماده ۱۲- به منظور اجرای احکام صادره از شعب دیوان، واحد اجرای احکام زیر نظر رییس دیوان یا یکی از معاونان وی تشکیل می‌شود و تعدادی دادرس علی‌البدل اقدام به اجرای احکام صادره می‌نمایند.

## فصل دوم- صلاحیت و اختیارات دیوان

ماده ۱۳- صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از :  
الف- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها و سازمان ها و  
موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و  
موسسات وابسته به آنها .

ب- تصمیمات و اقدامات ماموران واحدهای مذکور در بند (الف) در امور راجع به وظایف  
آنها .

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه های اداری ، هیات  
های بازرسی و کمیسیون هایی مانند کمیسیون های مالیاتی ، شورای کارگاه ، هیات حل  
اختلاف کارگر و کارفرما ، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری ها ، کمیسیون  
موضوع ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و منابع طبیعی و اصلاحات  
بعدی آن منحصر از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها .

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمان  
واحدها و موسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان موسساتی که شمول این قانون  
نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق  
استخدامی .

تبصره ۱- تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه موسسات و اشخاص مذکور در بندهای  
(۱) و (۲) این ماده پس از تصدیق دیوان به عهده دادگاه عمومی است .

تبصره ۲- تصمیمات و آرای دادگاه ها و سایر مراجع قضایی دادگستری و نظامی و  
دادگاه های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت  
اداری نمی باشد .

ماده ۱۴- در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت ، موجب تضییع حقوق  
اشخاص شده باشد ، شعبه رسیدگی کننده ، حکم مقتضی مبنی بر نقض رای یا لغو اثر از  
تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده ، صادر  
می نماید .

تبصره ۵- پس از صدور حکم بر اساس ماده فوق ، مراجع طرف شکایت علاوه بر اجرای  
حکم ، مکلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود می باشند .

ماده ۱۵- در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که  
اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و  
مراجع مذکور در ماده (۱۳) ، سبب ورود خسارتی می گردد که جبران آن غیر ممکن یا

متعسر است ، شعبه رسیدگی کننده در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع ، بر حسب مورد دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات ، تصمیمات و آرای مزبور یا انجام وظیفه ، صادر می نماید .

**تبصره-** دستور موقت تاثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی ، ملغی الاثر می گردد .

**ماده ۱۶-** در صورتی که حداقل یکی از دو قاضی یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رای ، متوجه اشتباه شکلی یا ماهوی در رسیدگی خود شوند ، ضمن اعلام نظر مستند و مستدل مکتوب ، پرونده را جهت ارجاع به شعبه تشخیص به دفتر رییس دیوان ارسال می نمایند .

**تبصره-** صدور حکم اصلاحی در مورد سهوالقلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رای انجام می شود ، مشمول این ماده نمی باشد .

**ماده ۱۷-** در صورتی که یکی از طرفین دعوی بعد از صدور رای ، مدارک جدیدی تحصیل نماید که موثر در رای باشد ، می تواند با ارایه مدارک جدید از شعبه صادرکننده رای ، تقاضای اعاده دادرسی نماید . شعبه خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می کند .

**تبصره-** در صورتی که شعبه تقاضای مزبور را موجه تشخیص دهد ، دستور توقف اجرای رای را صادر می نماید .

**ماده ۱۸-** در صورتی که رییس قوه قضاییه یا رییس دیوان ، آرای دیوان را واجد اشتباه بین شرعی یا قانونی تشخیص دهد ، موضوع جهت بررسی به شعبه تشخیص ارجاع می شود . شعبه مزبور در صورت وارد دانستن اشکال ، اقدام به نقض رای و صدور رای مقتضی می نماید .

**تبصره-** آرای که به موجب این ماده صادر شده به جز مواردی که خلاف بین شرع است ، قابل رسیدگی مجدد نمی باشد .

**ماده ۱۹-** حدود صلاحیت و اختیارات هیات عمومی دیوان به شرح زیر است :

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از : آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت بر خلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود .

۲- صدور رای وحدت رویه در مورد آرای متناقض صادره از شعب دیوان .  
۳- صدور رای وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد ، آرای مشابه متعدد صادر شده باشد .

**تبصره-** رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، مجلس خبرگان ، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است .  
**ماده ۲۰-** اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رای هیات عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص ، هیات مذکور اثر آن را از زمان تصویب مصوبه اعلام نماید .

## **فصل سوم- ترتیب رسیدگی در دیوان**

**ماده ۲۱-** رسیدگی در دیوان مستلزم تقدیم دادخواست است که به زبان فارسی و بر روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته می‌شود . دادخواست و تصویر مصدق کلیه مدارک و مستندات پیوست آن ، باید به تعداد طرف دعوی به علاوه یک نسخه باشد .  
**تبصره ۱-** در مورد پرونده‌هایی که با قرار عدم صلاحیت از مراجع قضایی دیگر ارسال می‌شود ، نیاز به تقدیم دادخواست نیست .

**تبصره ۲-** هزینه دادرسی در شعبه دیوان پنجاه هزار (۵۰،۰۰۰) ریال و در شعبه تشخیص یکصد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال می‌باشد .

**تبصره ۳-** چنانچه دادخواست تسلیم شده به دیوان فاقد امضا یا یکی از شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) باشد ، مدیر دفتر شعبه مطابق قانون مزبور عمل می‌نماید .

**ماده ۲۲-** دادخواست توسط رییس دیوان به یکی از شعب ارجاع می‌شود . دفتر شعبه یک نسخه از دادخواست و ضمایم آن را به طرف شکایت ابلاغ می‌نماید . طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند . عدم وصول پاسخ ، مانع رسیدگی نبوده و شعبه با توجه به مدارک موجود ، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رای می‌نماید .

**ماده ۲۳-** وکالت در دیوان وفق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است .

ماده ۲۴- شعبه رسیدگی کننده می‌تواند هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند انجام دهد یا انجام تحقیقات و اقدامات لازم را از ضابطین قوه قضاییه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد. ضابطین و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می‌کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این ماده حسب مورد مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.

ماده ۲۵- مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت موضوع ماده (۱۶) قانون، شعبه‌ای است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند لکن در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیات عمومی، تقاضای دستور موقت شده باشد، ابتدا پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می‌شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه مرجوع الیه، پرونده در هیات عمومی خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

ماده ۲۶- سازمان‌ها، ادارات، هیات‌ها و ماموران طرف شکایت پس از صدور و ابلاغ دستور موقت، مکلفند بر طبق آن اقدام نمایند و در صورت استتکاف، شعبه صادرکننده دستور موقت، متخلف را به انفصال موقت از شغل به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید.

ماده ۲۷- شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید.

ماده ۲۸- در صورت حصول دلایل مبنی بر عدم ضرورت ادامه دستور موقت، شعبه رسیدگی کننده نسبت به لغو آن اقدام می‌نماید.

ماده ۲۹- مقررات مربوط به ورود ثالث، جلب ثالث، اعتراض ثالث و استماع شهادت شهود در دیوان عدالت اداری، مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است.

ماده ۳۰- در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نخواهد بود.

ماده ۳۱- شعبه دیوان می‌تواند هر یک از طرفین دعوی را برای اخذ توضیح دعوت نماید و در صورتی که شکایت از ادارات و واحدهای مذکور در ماده (۱۳) این قانون باشد، طرف شکایت مکلف به معرفی نماینده است.

تبصره ۱- در صورتی که شاکی پس از ابلاغ برای ادای توضیح حاضر نشود یا از ادای توضیحات مورد درخواست استتکاف کند، شعبه دیوان با ملاحظه دادخواست اولیه و لایحه دفاعیه طرف شکایت یا استماع اظهارات او، اتخاذ تصمیم می‌نماید و اگر اتخاذ

تصمیم ماهوی بدون اخذ توضیح از شاکی ممکن نشود ، قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند .

**تبصره ۲-** در صورتی که طرف شکایت شخص حقیقی یا نماینده شخص حقوقی باشد و پس از احضار بدون عذر موجه ، از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند ، شعبه او را جلب نموده یا به انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت یک ماه تا یک سال محکوم می‌نماید .

**تبصره ۳-** عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص مسئول در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان ، موجب انفصال موقت وی از خدمات دولتی از دو ماه تا یک سال می باشد .

**ماده ۳۲-** در صورت درخواست رییس دیوان یا هر یک از شعب دیوان ، کلیه واحدهای دولتی ، شهرداری ها و سایر موسسات عمومی و ماموران آنها ، مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد ، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند . متخلف به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود .

**ماده ۳۳-** موارد رد دادرسی در دیوان و نحوه ابلاغ اوراق ، آرا و تصمیمات دیوان ، طبق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) می باشد .

**ماده ۳۴-** کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۳) این قانون مکلفند آرای دیوان را پس از ابلاغ فوراً اجرا نمایند .

**ماده ۳۵-** در صورت استتکاف شخص یا مرجع محکوم علیه از اجرای رای ، شعبه صادرکننده رای ، به درخواست محکوم له ، موضوع را به رییس دیوان منعکس می کند . رییس دیوان یا معاون او مراتب را جهت اجرا به یکی از دادرسان واحد اجرای احکام ارجاع می نماید .

**ماده ۳۶-** دادرسی اجرای احکام از طرق زیر مبادرت به اجرای حکم می کند :

۱- احضار مسئول مربوطه و اخذ تعهد بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم له در مدت معین .

۲- دستور توقیف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم به در صورتی که حکم یک سال پس از ابلاغ اجرا نشده باشد .

۳- دستور توقیف و ضبط اموال شخص متخلف به درخواست ذی نفع بر طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی).

۴- دستور ابطال اسناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رای دیوان.

ماده ۳۷- در صورتی که محکوم علیه از اجرای رای استتکاف نماید با رای شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت وارده محکوم می شود. رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در شعبه تشخیص دیوان می باشد.

ماده ۳۸- در مورد درخواست ابطال مصوبات، مشخص نمودن علل درخواست و ذکر موارد مغایرت مصوبه با شرع یا قانون یا خروج از اختیارات و همچنین ماده قانونی یا حکم شرعی که اعلام مغایرت مصوبه با آن شده است، ضروری می باشد.

تبصره- در صورت عدم رعایت مفاد این ماده، مدیر دفتر هیات عمومی موظف است ظرف پنج روز پس از ثبت درخواست با ذکر نقایص موجود، اخطار رفع نقص صادر کند. هر گاه متقاضی ظرف ده روز پس از ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نکند، مدیر دفتر قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۳۹- در مواردی که به تشخیص رییس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رای قبلی دیوان در مورد مصوبه، رییس دیوان قرار رد درخواست را صادر می کند. این قرار قطعی است.

ماده ۴۰- در صورتی که رییس قوه قضاییه یا رییس دیوان به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب کننده مطلع شود، موظف است موضوع را در هیات عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نماید.

ماده ۴۱- در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می شود، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیات عمومی، لازم الاتباع است.

ماده ۴۲- هیات عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۱۹) این قانون می تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.

ماده ۴۳- هر گاه در موارد مشابه، آرای متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود، رییس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را در هیات عمومی دیوان مطرح نماید و هیات پس از بررسی و احراز تعارض، نسبت به صدور رای اقدام می نماید. این

رای برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است .  
اثر رای مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آرای سابق نمی‌شود لکن در مورد احکامی که در هیات عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده می‌شود شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رای در روزنامه رسمی حق تجدید نظرخواهی در شعب تشخیص را دارد و شعبه تشخیص موظف به رسیدگی و صدور رای بر طبق رای مزبور است . مفاد این ماده در مورد آرای که از نظر فقهای شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده می‌شود مجری نخواهد بود .

ماده ۴۴- هر گاه در موضوع واحدی حداقل پنج رای مشابه از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد با نظر رییس دیوان ، موضوع در هیات عمومی مطرح و رای وحدت رویه صادر می‌شود . این رای برای شعب دیوان ، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی ذی ربط لازم الاتباع است .

تبصره- پس از صدور رای وحدت رویه ، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به تبادل لوایح انجام می‌گیرد .

ماده ۴۵- هر گاه پس از انتشار رای هیات عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور ، مسئولان ذی‌ربط از اجرای آن استنکاف نمایند به تقاضای ذی نفع یا رییس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان ، مستنکف به انفسال موقت موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود .

ماده ۴۶- مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضایی پس از کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری ، دیوان عالی کشور است .

ماده ۴۷- پس از لازم الاجرا شدن این قانون ، رسیدگی به کلیه پرونده‌های مطروحه در شعب تجدید نظر سابق دیوان همچنین رسیدگی به اعتراضات وارده نسبت به آرای غیر قطعی شعب بدوی سابق با رعایت قانون دیوان عدالت اداری- مصوب ۱۳۶۰- و اصلاحات بعدی ، در شعب تجدید نظر ادامه می‌یابد .

ماده ۴۸- قوه قضاییه موظف است ظرف شش ماه لایحه آیین دادرسی دیوان را تهیه و از طریق دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید . تا زمان تصویب آیین دادرسی مزبور ، بر طبق این قانون و قوانین سابق عمل خواهد شد .

ماده ۴۹- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، قانون دیوان عدالت اداری- مصوب سال ۱۳۶۰- و اصلاحات بعدی آن و کلیه قوانین مغایر با رعایت مواد (۴۷) و (۴۸) لغو می‌شوند .

قانون فوق مشتمل بر چهل و نه ماده و بیست تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ نهم خردادماه یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و با جایگزینی ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۹) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۵ از سوی آن مجمع موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد .

رئیس مجلس شورای اسلامی- غلامعلی حداد عادل